

خط قرمز اردوغان و کشور علوی در سوریه

فرزاد رمضانی بونش

14-04-2013

مرکز بین المللی مطالعات صلح-ipsc

واژگان کلیدی: خط قرمز اردوغان در سوریه، ترکیه و منطقه یا کشور علوی در سوریه، احتمال تجزیه سوریه، فدرالیزده شدن سوریه، الگوی بالکانیزه شدن سوریه

بیان رخداد:

رجب طیب اردوغان که اخیراً نسبت به تشکیل منطقه ای مستقل برای علوی ها هشدار داده و گفته است که آنکارا اجازه نمی دهد منطقه ای جدا در شمال سوریه برای علوی ها تشکیل شود. وی همچنین به این نکته اشاره کرده که وحدت سرزمین سوریه امری مهم برای ترکیه است و آنکارا به هیچ کس اجازه نمی دهد که سناریوی عراق برای سوریه تکرار شود. این سخنان اردوغان در کنار سخنان یک سال گذشته رهبران ترکیه ناشی از نوعی هراس فزاینده در بین ترکیه برای سناریوهای آینده ترکیه است. در این نوشتار تلاش میشود که با بررسی یکی از سناریوهای آینده سوریه به بررسی علل هراس ترکیه از منطقه و یا کشور علوی در سوریه پرداخته شود.

تحلیل رخداد:

احتمال تشکیل منطقه یا کشور علوی در سوریه:

در حقیقت جنگ داخلی سوریه در حالی وارد سومین سال خود خواهد شد که تنش، اختلاف و درگیری میان گروه های مختلف مذهبی و قومی در این کشور از همیشه جدی تر شده است و چشم انداز روشنی برای توافق سیاسی در دسترس نیست. یعنی با گذشته ماه ها نه تنها بحران سوریه فروکش نکرده

است، بلکه شکاف های مذهبی و قومی این جامعه نمود بیشتری یافته و در صورت تبیین هر سناریویی برای آینده این کشور سوریه نوین متفاوت از سوریه گذشته خواهد بود. در کنار سناریوهای مختلف که در این نوشتار بدان نمی پردازیم اگر به سناروی تجزیه یا فدرالیزه شدن سوریه پردازیم باید گفت گذشته از توجه و نهادها و شخصیت های بین المللی به تجزیه سوریه این امر مورد توجه بیشتر ترکیه قرار گرفته است. یعنی جدا از اشاره پیشین عبدالحلیم خدام در مورد (علویان سوریه خود را آماده می کنند تا بخش هایی از کشور سوریه را جدا و کشوری برای خود برپا کنند). قبلا یهود باراک اسرائیلی و عبدالله پادشاه اردن هم به احتمال برپایی کشوری علوی در سوریه پرداخته بود. شاه اردن به جدایی بخش هایی چون طرطوس هشار داده و یهود باراک از احتمال پناه بردن اسد به مناطق غربی سوریه (مناطق علوی نشین) سخن به میان آورده بود. در این میان جدا از نموده ها و نشانه هایی از جمله طولانی تر شدن بحران سوریه، افزایش درگیری های قومی و مذهبی در سوریه، فرار علویان (شیعیان) سوریه به سمت مناطق غربی این کشور و همچنین فرار سنی ها از مناطق شیعه نشین سوریه و اکنون در هر گونه سناریویی خوش بینانه و یا بدبینانه تجزیه سوریه و الگویی بالکانیزاسیون (تجزیه به چند کشور) و یا فدرالیزه شدن سوریه (الگویی عراق) و ... می تواند به عنوان یکی از سناریوهای مهم برای حل بحران در سوریه باشد. در این شرایط تقسیم و تجزیه سوریه بزرگ و اقدام هر جریان مذهبی قومی برای دست یافتن به زمین در سوریه هم به نوعی موجب میشود علویان (چه با وجود اسد و یا در نبود وی) عملا دولت و یا منطقه فدرال علوی خود را در غرب سوریه برقرار کنند. یعنی هر چند این امر ممکن است در شرایط کنونی مد نظر دمشق نباشد، اما با استمرار جنگ خانمان سوز، یا حمله نظامی متحدان خارجی و مخالفان سوریه فدرالیزه شدن و یا بدبینانه تر تجزیه سوریه به گونه عملی یا نظری همچنان مد نظر بسیاری از طرف ها خواهد بود. بنابراین گذشته از احتمال سقوط اسد یا باقی ماندن و حتی ترور وی علوی های برای بقای خود و جلوگیری از انتقام به وسیله سلفی ها و تندروهای مذهبی سنی بی شک الگویی فدرالیزه شدن و یا حتی استقلال و تشکیل کشور علوی را نیز مد نظر قرار می دهند. چرا که جدا از اینکه بشار اسد در قدرت حاضر باشد، اجماعی گسترده برای سرنگونی دولت وی تشکیل گردد و یا سناریوهای

دیگری رخ دهد احتمال شکل گیری هر سناریویی در مورد تشکیل طائف سوری (در پایان جنگ های داخلی) و حتی تجزیه سوریه به دو تا چهار بخش یا کشور نوین مطرح است. در این حال منطقه فدرال یا کشور علوی در شمال غرب سوریه (با توجه به دارا بودن بخش های کوهستانی جبال العلوین، دسترسی اقتصادی، امنیتی و نظامی به آب های آزاد بین المللی و شامل شدن احتمالی استان های لاذقیه، طرطوس و حتی بخش هایی از استان های دیگر سوریه مانند حماه و حمص) از گزینه های اصلی فدرالیزده شدن یا تجزیه است. بنابراین در هر گونه مذاکره دولت سوریه با مخالفان و نگاه بازیگران منطقه ای به سوریه فدرال، سوریه کنفدرال یا تجزیه سوریه مسلما بخش یا کشور علوی در شمال غرب و هم مرز با ترکیه از گزینه های اصلی منطقه فدرال، کنفدرال یا کشور نوین است.

علل هراس ترکیه :

ضرر ترکیه از آینده مدیریت مرزهای جنوبی: در واقع کشور علوی مطرح شده در سناریوهای آینده سوریه از غرب به سواحل دریای مدیترانه، از شمال به ترکیه، از جنوب به لبنان و از شرق با بخش عمدتاً سنی سوریه همسایه است. در این بخش طرطوس دارای پایگاه نظامی دریایی روسیه است و بر طبق معاهده ای میان روسیه و سوریه، پایگاه نظامی روس ها در این بندر، تا سال 2042 باقی خواهد ماند. در واقع ادامه حضور نظامیان روس در این پایگاه، در صورت ایجاد منطقه فدرال یا کشور نوین بی گمان می تواند حمایت گر این منطقه در مقابل ترکیه باشد. گذشته از این هر چند بنا به اعلام برخی رهبران ترک موضوع شمال سوریه، یک حربه آشکار و یک جنگ روانی علیه ترکیه است، اما به راستی ترک ها نگران تجزیه سوریه هستند. چرا که در شرایط کنونی با تداوم فرسایشی شدن جنگ و حتی در صورت مجوز حمله نظامی یک جانبه به سوریه (بدون طرح در شورای امنیت و استناد به بند هفتم منشور سازمان ملل متحد) ترکیه از متضرران اصلی بحران سوریه است. چرا که چه با ترور بشار اسد یا راه حل نظامی و یا گفتگوی سیاسی دو شکاف عمده قومی و مذهبی سوریه (یعنی کرد و علوی) که دامنه بیرونی آنها در ترکیه نیز حضور دارد فعال شده

و این دو در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت نیاز به مدیریت بحران گسترده ای از سوی ترکیه دارد. در این شرایط باید گفت جدا از اسرائیلی‌ها که با مدیریت شرایط کنونی چندان از تجزیه سوریه متضرر نمی‌شوند تقسیم سوریه به چند کشور یا فدرالیزه شدن آن به ضرر عمده ترکیه است.

خطر فعال شدن شکاف علوی- سنی در جامعه ترکیه: در حالی که ترکیه سیاست تندی علیه بشار اسد علوی سوریه در پیش گرفته بسیاری از علویان ترکیه از این موضع دولتشان ناخشنودند. این در حالی است که تخمین زده شده 15 تا 20 میلیون علوی در ترکیه زندگی می‌کنند. علویان ترکیه، بیشتر ترک زبان، سپس علویان کرد و برخی از علویان هم عرب زبان و در استان هاتای در مرز با حلب سوریه زندگی می‌کنند. در این میان با توجه به رویکردهایی همچون برگزاری اولین همایش علویان کرد، افزایش فعالیت علویان در ترکیه، سخنان اردوغان در مورد جم خانه ها و علویان، افزایش انتقاد شخصیت‌های علوی از جمله کمال قلیچدار اوغلو (رهبر حزب جمهوری خلق و از علویان کرد) از دولت آنکارا و ... این نگرانی به وجود آمده است که علوی های ترکیه به عنوان بزرگ ترین اقلیت مذهبی این کشور درکنار مخالفت با رویکرد سوری اردوغان جدا از تاکید بر سکولار بودن ترکیه حقوق بیشتری هم برای خود طلب کنند. این امر در حالی است که علویان ترکیه و سوریه از لحاظ باورهای مذهبی بسیار به هم شبیهند و حتی علویان عرب در هاتای به سر می‌برند.

دولت علوی و نگاه به هاتای علوی: جدا از ادعای پشتیبانی سوریه از کردهای مخالف دولت ترکیه و اختلاف بر سر آب یکی از چالش های مهم دولتهای سوریه و ترکیه در سده بیستم حق حاکمیت بر استانی که ترکیه آن را «هاتای» و سوریه آن را اسکندرون می‌نامد بوده است. اسکندرون در سال 1921 در داخل مرزهای سوریه قرار گرفت، اما در دسامبر 1936 ترکیه علیه فرانسه به جامعه ملل شکایت نمود و در سوم ژانویه 1938 قرار شد تحت حاکمیت فرانسه و ترکیه قرار گیرد. اما در سال 1939 فرانسه عملاً اسکندرون را در اختیار دولت ترکیه قرار داد. این رویکرد موجب تداوم اختلاف ها بر سر هاتای در دهه های متمادی شد. اکنون نیز

سوري ها معتقدند واگذاري اسكندرون به تركيه اعتبارى ندارد. اين امر در حالي است كه عربها علوي ساكن هاتاي با علويان سوريه رابطه نزديكي دارند. بنابراين هر گونه تشكيل منطقه فدرال علوي يا تشكيل دولت علوي مي تواند شكاف قومي و مذهبي اين هاتاي با اكثريت تركيه يعني شكاف تركي- عربي و شكاف سني - علوي را افزايش دهد و خطر توجه منطقه فدرال علوي يا دولت علوي به اسكندرون يا هاتاي تركيه را بيشتر كند.

چشم انداز رخداد:

آنچه مشخص است منطقه علوي نشين سوريه در ساحل دريائى مديترا نه كه در برگيرنده شهرهاى مهمى چون طرطوس و لاذقيه است و به علويان در هاتاي تركيه وصل مى شوند. در اين حال جدا از گزينه هاي پيش رو ديگر سوريه هر گونه فدراليزده شدن و يا تجزيه سوريه به چندين بخش با توجه به سابقه تاريخي آن مي تواند بنيان منطقه يا كشور علوي را شكل دهد. در همين راستا سخنان رهبران تركيه در مورد نگراني از تقسيم و يا فدراليزده شدن سوريه قابل درك است و بايد منتظر افزايش نگراني آنها از اين رويكرد در صورت تداوم بحران و حتي در پيش گرفتن مواضع و رويكردهاي سخت گيرانه تري در مورد آينده سوريه از سوي تركيه بود.